

The Effect of Ethical Intelligence Training on Psychological Capital, Social Capital and Altruism of Students Boy Teachers of Farhangian University

Hasanali Veiskarami¹, Jahangir Kalantar², Leila Heidaryani^{3*}

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Human Sciences, Lorestan University, Khorramabad, Iran

2. Ph.D Student in Educational Psychology, Lorestan University, Khorramabad, Iran

3. Ph.D. in Educational Psychology, Lorestan University, Khorram Abad, Iran

(Received: October 11, 2018; Accepted: September 4, 2021)

Abstract

The purpose of this research was to investigate the effect of moral intelligence training on psychological capital, social capital and altruism of male student teachers of Farhangian University. The research method was semi-experimental with a pre-test-post-test design with a control group. The statistical population consisted of all students of male teachers studying at Farhangian University of Ahvaz in the academic year of 2012-18; Using random sampling method, 40 individuals were selected and randomly assigned to two groups of experimental and control (20 experimental and 20 control group). The educational intervention of moral intelligence was performed for the experimental group, while the control group did not receive any training. After completion of the sessions, the post-test was performed on two groups. Data collection tools were Lutans psychological capital (2007) questionnaire, Delaouis social capital (2007) and desirable social tendencies of Carlo et al. (2003) their reliability was 0.87, 0.88 and 0.89, respectively. Multivariate analysis of covariance test was used to analyze the data. There was no significant difference between the mean scores of psychological capital, social capital and altruism of the experimental and control groups before training. After training, there was a significant difference between the two groups in the above variables, so that the mean scores of these variables increased in the experimental group compared to the control group ($p < 0.01$). Therefore, it can be said that teaching moral intelligence increases psychological capital, social capital and altruism.

Keywords: Altruism, Moral intelligence, Psychological kapital, Social capital.

* **Corresponding Author, Email:** heidaryani.l@lu.ac.ir

تأثیر آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع دوستی دانشجومعلمان پسر دانشگاه فرهنگیان

حسنعلی ویسکرمی^۱، جهانگیر کلانتر^۲، لیلا حیدریانی^{۳*}

۱. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

۳. دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳)

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع دوستی دانشجومعلمان پسر دانشگاه فرهنگیان بود. روش پژوهش، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجومعلمان پسر مشغول به تحصیل دانشگاه فرهنگیان اهواز در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود؛ که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۴۰ نفر انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (۲۰ نفر گروه آزمایش و ۲۰ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. مداخله آموزشی هوش اخلاقی برای گروه آزمایش اجرا شد، در حالی که گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکرد. پس از اتمام جلسات، پس‌آزمون روی دو گروه انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های سرمایه روان‌شناختی لوتانز (۲۰۰۷)، سرمایه اجتماعی دلاویز (۱۳۸۷) و گرایش‌های اجتماعی مطلوب کارلو و همکاران (۲۰۰۳)، که به ترتیب پایایی آن‌ها ۰/۸۷، ۰/۸۸ و ۰/۸۹ بود، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده شد. پیش از آموزش، بین میانگین نمرات سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع دوستی گروه‌های آزمایش و کنترل، تفاوت معناداری مشاهده نشد. پس از آموزش بین میانگین دو گروه در متغیرهای فوق، تفاوت معناداری ملاحظه شد؛ به گونه‌ای که میانگین نمرات این متغیرها در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل افزایش یافته بود. بنابراین، می‌توان گفت که آموزش هوش اخلاقی موجب افزایش سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع دوستی می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، سرمایه روان‌شناختی، نوع دوستی، هوش اخلاقی.

مقدمه

یکی از زمینه‌هایی که در دهه‌های اخیر در حوزه روان‌شناسی شکل گرفت، ظهور رویکرد روان‌شناسی مثبت‌نگر بود که موجب تحولات قابل ملاحظه و پژوهش‌های نافذ و مؤثری در زمینه‌های مختلف رفتاری مربوط به دانش‌آموزان و دانشجویان شد (یعقوبی و نسائی مقدم، ۱۳۹۸).

این رویکرد سعی دارد با استفاده از روش‌های علمی به مطالعه و کشف توانایی‌هایی بپردازد که اجازه می‌دهد افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع پیشرفت کنند و به موفقیت نایل آیند (سلیگمن و سی‌سیکزنتمه آلی^۱، ۲۰۰۰). یکی از مفاهیم روان‌شناسی مثبت‌نگر که در سال‌های اخیر در حوزه رفتار سازمانی مورد توجه جدی قرار گرفته و به‌تازگی وارد مطالعات آموزش دانشگاهی نیز شده است، مفهوم سرمایه روان‌شناختی^۲ است. ریشه مفهوم سرمایه روان‌شناختی را باید در کارهای مارتین سلیگمن^۳ (۱۹۸۸) که او را به عنوان پدر روان‌شناسی مثبت‌گرا می‌شناسند، جست‌وجو کرد. پس از آن، این رویکرد به‌تدریج وارد حوزه رفتار سازمانی شد و عنوان رفتار سازمانی مثبت‌گرا به خود گرفت. رفتار سازمانی مثبت‌گرا در ابتدا به عنوان مطالعه و کاربرد مثبت‌گرایی در توانمندی‌های منابع انسانی و ظرفیت‌های روان‌شناسی که می‌توانند برای بهبود عملکرد در محیط کار امروز، اندازه‌گیری شده، توسعه یافته و مدیریت شوند، تعریف شده بود (لوتانز^۴، ۲۰۰۲). مانند روان‌شناسی مثبت‌گرا، رفتار سازمانی مثبت‌گرا ادعا نمی‌کند که به دستاورد جدیدی در ارتباط با مثبت‌گرایی رسیده است، بلکه به نیاز به تمرکز بیشتر بر نظریه‌پردازی، پژوهش و کاربرد مؤثر حالات، صفات و رفتارهای مثبت کارکنان در محیط کار اشاره دارد. این رویکرد جدید سازمانی معتقد است که با اجتناب از اشتغال ذهنی مداوم به ضعف‌ها و سوء عملکردهای افراد توسط رهبران و همکارانشان می‌توان به قوت‌ها و کیفیت‌های مطلوب آنها توجه کرد و اعتماد به نفس، خوش‌بینی و امیدواری را در کارکنان افزایش داد و بدین وسیله عملکرد فردی و سازمانی را بهبود بخشید. سرمایه روان‌شناختی می‌تواند به عنوان وضعیت توسعه‌ای روان‌شناسی مثبت‌گرا که شامل چهار مؤلفه خودکارآمدی، امیدواری،

-
1. Seligman, Sicikezentime & Oli
 2. Well- bing capital
 3. Seligman
 4. Luthans

خوش‌بینی و انعطاف‌پذیری است، تعریف شود (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷). هر یک از این سازه‌ها یک ظرفیت روان‌شناسی مثبت در نظر گرفته می‌شوند و دارای مقیاس اندازه‌گیری معتبر، مبنی بر نظریه و تحقیق، وابسته به حالت و قابلیت رشد هستند و به طور چشمگیری با پیامدهای عملکردی در ارتباطاند (لوتانز و اولیو^۱، ۲۰۰۷).

سازه امید، توانایی شخص برای هدف‌گذاری، تجسم مسیرهای لازم برای رسیدن به هدف‌ها و داشتن انگیزه در جهت رسیدن به آن هدف‌هاست. خوش‌بینی، به اسنادهای علی مثبت اشاره می‌کند و روشی است که در آن افراد وقایع مثبت و منفی را تبیین می‌کنند و انتظار نتیجه مثبت دارند. تاب‌آوری، ظرفیت فرد برای پاسخ‌دادن و حتی شکوفاشدن در شرایط فشارزای مثبت یا منفی است و خودکارآمدی به اطمینانی که افراد را به توانایی‌های خود برای انجام یک تکلیف خاص دارند، اشاره می‌کند (لوتانز و اولیو، ۲۰۰۷). در حالی که پژوهش‌های پیشین هر یک از چهار مؤلفه تشکیل‌دهنده سازه سرمایه روان‌شناختی را به طور مجزا بررسی کرده‌اند، مطالعات مربوط به رویکرد مثبت‌گرا این مؤلفه‌ها را مرتبط دیده و مشترکات این سازه‌ها را در نظر می‌گیرد (نورمن، آوی و پیگن^۲، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر، سرمایه روان‌شناختی، یک سازه مرتبه بالاتر، در نظر گرفته می‌شود؛ به این معنا که این چهار مؤلفه با هم ترکیب می‌شوند و یک کل هم‌افزا را می‌کنند و انتظار می‌رود که کل سازه نسبت به تک‌تک مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، تأثیر بیشتری بر عملکرد داشته باشد (محبی‌نورالدین، شهنی‌بیلاق و شریفی، ۱۳۹۳).

برخورداربودن از سرمایه روان‌شناختی افراد را قادر می‌کند تا علاوه بر مقابله بهتر در برابر مشکلات از توان بالایی برخوردار باشند، به دیدگاه روشنی در مورد خود برسند و کمتر تحت تأثیر وقایع روزانه قرار گیرند، بنابراین، این‌گونه افراد داری توانمندی بالایی نیز هستند (رابینز^۳ و همکاران، ۱۹۹۸).

-
1. Avolio
 2. Normans, Avey & Pigeon
 3. Robbins

در این میان، اولیو (۲۰۰۶) نشان داد سرمایه روان‌شناختی با سرمایه اجتماعی^۱ رابطه مثبت دارد. لکن با تغییر تبیینی از روان‌شناختی به جامعه‌شناختی کوپر^۲ (۲۰۰۵) نشان داده است که سرمایه اجتماعی بر سرمایه روان‌شناختی اولویت دارد. لذا فقدان یا ضعیف بودن سرمایه اجتماعی به انزوای فرد و فردگرایی منتهی می‌شود و در نهایت، به تضعیف سرمایه روان‌شناختی منتهی می‌شود. یکی از متقدمان طرح نظریه سرمایه اجتماعی را هنی فن^۳ می‌دانند که در سال ۱۹۲۰ این واژه را مطرح کرد و آن را شامل دارایی‌هایی می‌دانست که در زندگی روزانه افراد خیلی به حساب می‌آیند، مانند حسن تفاهم، رفاقت و دوستی، احساس همدردی و روابط اجتماعی در بین افراد و خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند (فلدمن و اساف، ۱۹۹۹). نظریه هنی فن برای نیم قرن مسکوت ماند تا در سال ۱۹۶۱ جاکوب^۴ در اثر خود به نام *زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکایی* از سرمایه اجتماعی بحث کرد و نقش آن را در ارتباط به حفظ نظافت، برخورد با جرم و جنایت خیابانی در محدوده‌های حومه و قدیمی شهری مطرح کرد. پی‌یربوردو و پسون^۵ (۱۹۷۰)، گلن‌لوری^۶ (۱۹۷۷) در آثار خود به بحث در مورد سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. در طول ۱۵-۱۰ سال گذشته، رابرت پوتنام و جیمز کلمن^۷، به واژه سرمایه اجتماعی اعتبار و آوازه فراوان بخشیده‌اند. پوتنام (۱۹۹۳) سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای از ارتباط‌های افقی بین افراد می‌بیند که همکاری در جهت کسب منافع متقابل را در اجتماع تقویت می‌کند. کلمن (۱۹۸۸) نظریه عمومی تری از سرمایه اجتماعی را مطرح می‌کند که در آن همکاری‌های عمودی هم پوشش داده می‌شود. سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین‌فردی و بین‌گروهی و تعاملات بین نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی است که به همبستگی و انسجام اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل

-
1. Social capital
 2. Cooper
 3. Hanifan
 4. Jacobs
 5. Pierre & Passeron
 6. Glenn Lour
 7. Potnam & James Colwman

کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی منجر می‌شود (عبدالهی و موسوی، ۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ی هنجارهای موجود در نظام‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه می‌شود و سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات را کاهش می‌دهد (فوکویاما، ۱۹۹۹).

علاوه بر این، سرمایه روان‌شناختی در خلاء شکل نمی‌گیرد. آدمی در چارچوب‌های ترسیم شده فرهنگی و اجتماعی به سر می‌برد و به طور پیوسته از منابع فرهنگی، بازخوردهای اطلاعاتی و اصلاحی دریافت می‌کند. این بازخوردها قادرند در شکل‌دهی اهداف، معنای زندگی، مقاومت در برابر فشار و خود ارزیابی‌های مثبت و منفی نقش ماندگار ایفا کنند. از این رو، فقدان شبکه‌های اجتماعی حمایت‌کننده و گسست روابط بین فردی و افول اعتماد بین فردی قادرند از تظاهرات توانمندی‌های فردی در عرصه‌های اجتماعی بازداری کنند. در واقع، فضاها بی‌اعتمادی و گسست اجتماعی، فرصت جرأت‌ورزی و خود ابرازی را از آدمی گرفته، او را از منابع عظیم بازخوردی محروم می‌سازند. فقدان این منابع، چشم‌انداز روندهای آتی زندگی را برای فرد در ابهام فرو می‌برد و یأس، ناامیدی و بدبینی را در نظام ادراکی و روان‌شناختی فرد جایگزین می‌کند (فری، ۱۹۹۵).

در متون مختلف به موارد گوناگونی از اثرگذاری سرمایه اجتماعی در زندگی فردی و اجتماعی اشاره شده است که برخی از آن‌ها به قرار زیر است: سرمایه اجتماعی، به اعضای گروه اقتدار می‌بخشد (توسلی، ۱۳۷۹). سرمایه اجتماعی، هزینه‌های هماهنگی را کاهش می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۹۰). سطح سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی با میزان جرائم خشونت‌آمیز، همبستگی منفی دارد. صاحب‌نظری معتقد است، همبستگی روشن و مثبتی بین متغیرهای سلامت و سرمایه اجتماعی، همچنین، رابطه قوی و منفی بین شاخص سرمایه اجتماعی و نرخ مرگ و میر وجود دارد (بالن و آنیکس، ۲۰۰۵).

-
1. Fucuyama
 2. Fry
 3. Bullen & Onyx

علاوه بر سرمایه روان‌شناختی و سرمایه اجتماعی که به آن‌ها اشاره شد، یکی دیگر از ویژگی‌های انسان که به صورت عالی‌ترین دارایی انسان در تکامل وی مجسم می‌شود، نوع‌دوستی^۱ است. به زعم میدلارسکی^۲ (۱۹۹۵) نوع‌دوستی، سخاوت و بلندنظری بدون انتظار مقابله به مثل است، که به واسطه آن شخص رفع نیازهای دیگران را به طور داوطلبانه در اولویت قرار می‌دهد. نوع‌دوستی به مفهوم کمک‌رسانی، یاری‌رسانی دیگران در موقعیت پرخطر و اضطراری و تقسیم اموال یا بخشش به دیگران است که غالباً در محیط‌های انسانی متجلی می‌شود (یاعلی و گرجی، ۱۳۹۵).

جان پیلیاوین^۳ در قالب نظریه مبادله اجتماعی، یک نظریه پنج‌مرحله‌ای مطرح ساخته و معتقد است رفتار نوع‌دوستانه در فرایند مراحل زیر شکل می‌گیرد (پیلیاوین، ۱۹۷۲).

- آگاهی از وضعیت اضطراری

- تحریک

- تفسیر علایم و برچسب‌زنی به تحریک

- محاسبه هزینه - پاداش

- تصمیم‌گیری برای رفتار نوع‌دوستانه

بر اساس این نظریه، رفتار نوع‌دوستانه پیش از هر چیز مستلزم آگاهی از وضعیت‌های اضطراری است. طبیعی است که ما فقط در صورتی می‌توانیم به دیگران کمک کنیم که بدانیم آنان واقعاً به کمک نیازمندند. دومین مرحله این مدل، تحریک هیجانی است. حالت‌های اضطراری به لحاظ فیزیولوژیکی تحریک‌کننده‌اند. طبیعی است که تا فرد به لحاظ فیزیولوژیکی تحریک نشده باشد، دست به هیچ اقدامی نخواهد زد. صرف تحریک، برای تصمیم‌گیری به مداخله یا عدم مداخله کفایت نمی‌کند و باید این تحریک، تفسیر گردد. چهارمین مرحله مدل، محاسبه هزینه - پاداش است که طی آن فرد به طور شناختی، هزینه‌ها و پاداش‌های مداخله یا عدم مداخله را بررسی می‌کند. افرادی

1. Altruism
2. Midlareski
3. Piliavin

که در روابط اجتماعی، تحلیل هزینه - پاداش مادی می‌کنند، کمتر تمایل به رفتار نوع دوستانه دارند، چرا که رفتار نوع دوستانه معمولاً با پاداش مادی همراه نیست. فرد با لحاظ کردن کلیه جوانب به مرحله پنجم، یعنی تصمیم‌گیری می‌رسد که رفتار نوع دوستانه انجام دهد یا نه. براساس بیرو^۱ (۱۹۸۵)، آگوست کنت دگرخواهی را احساس و رفتاری مغایر با خودخواهی در نظر گرفته و آن را منبعث از ویژگی‌های نهادی موجود زنده می‌داند. از این منظر، دگرخواهی با تمایلات و غرایز مبتنی بر مهرورزی (نظیر محبت، ستایش، فداکاری و...) که در وجود انسان به طور ذاتی مانند تمایلات خودخواهانه وجود دارند، مرتبط شناخته می‌شوند. به زعم آگوست کنت دیگرخواهی تجلی کارکردی بعضی از عناصر مربوط به مغز است که با توجه به عللی چند، امکان شکوفایی یا رکود آنان وجود دارد. گیدنز (۱۹۷۶) بیان می‌کند دورکیم معتقد است که سرشت رفتار اخلاقی نمی‌تواند در مضمون منافع فردی، اعم از منافع من یا دیگران تبیین شود. اخلاقیات از منبعی نشأت می‌گیرند که ورای منافع فردی است، اگرچه می‌تواند به آنها نیز انتقال یابد (یاعلی و گرجی، ۱۳۹۵). بنابراین آنچه قره‌باغی و همکاران (۱۳۹۱) بیان کردند، از نظر دورکیم اخلاق به عنوان فعالیتی غیر انتفاعی به اصولی غیر شخصی گرایش دارد که می‌تواند عمومیت یابد. بشر در تمامی جوامع در طول تاریخ، احتیاج مبرمی به مسائل نوع دوستانه داشته است؛ این روحیه بشردوستانه؛ طی هزاران سال وجود داشته است. توجه به موضوع نوع دوستی و چگونگی تقویت آن در روابط انسان‌ها با یکدیگر بسیار مورد توجه است (یاعلی و گرجی، ۱۳۹۵).

توجه به ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی، شکوفایی و رشد توانایی‌ها و قابلیت‌های فردی و اجتماعی و کمک به رشد عاطفی، شخصیتی و رفتاری دانش‌آموزان و دانشجویان از جمله وظایف مهمی است که انتظار می‌رود مراکز آموزشی بدان توجه ویژه داشته باشند. از آنجا که رفتارهای اجتماعی مطلوب با هنجارها و ارزش‌های موجود در جامعه سر و کار دارد و هوش اخلاقی^۲ نیز با ارزش‌ها در ارتباط است. بنابراین، می‌توان انتظار داشت کسانی که هوش اخلاقی بالایی دارند، دارای رفتارهای اجتماعی و فردی مطلوب از جمله نوع دوستی، سرمایه اجتماعی و سرمایه روان‌شناختی نیز باشند.

1. Biro
2. Moral Intelligence

هوش اخلاقی نشان‌دهنده ظرفیت ذهنی انسان است برای تعیین اینکه چگونه اصول جهان‌شمول انسانی را به ارزش‌ها، اهداف و اقدامات خود مرتبط کند (پتی و چارلز^۱، ۲۰۰۸). همچنین، این نوع هوش نشان‌دهنده اشتیاق و توانایی فرد برای قراردادن معیارهای برتر و فراتر از منافع خود، حتی موضوعاتی نظیر اثربخشی در کانون واکنش‌های فردی است (بهشتی‌فر و نکویی‌مقدم، ۱۳۸۹).

نخستین بار اصطلاح هوش اخلاقی توسط بوری (۱۳۹۴) در مسائل روان‌شناسی مطرح شد. به‌طور کلی وی هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند (بوری، ۱۳۹۴، ص ۲۳). همچنین، لینک و کیل^۲ (۲۰۱۱)، اجرای برنامه‌های آموزشی شایستگی‌های عاطفی را در افزایش هوش اخلاقی مؤثر می‌دانند. هوش اخلاقی به معنای توجه به زندگی انسان و طبیعت، رفاه اقتصادی و اجتماعی، ارتباطات آزاد و صادقانه و حقوق شهروندی است. در دنیای امروز تنها رهبران باهوش اخلاقی بالا می‌توانند در سازمان اعتماد و تعهد ایجاد کنند که مبنایی برای تجارت گسترده و درست است. بوری و کیل از محققانی هستند که به‌طور ویژه، به هوش اخلاقی توجه کرده‌اند. بوری هوش اخلاقی را در مباحث روان‌شناسی کودکان پژوهش کرد و لینک و کیل به تأثیرات هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن در سطح سازمانی توجه کرده‌اند. از دیدگاه لینک و کیل، هوش اخلاقی عبارت است از ظرفیت روانی برای تعیین اینکه اصول کلی یا جهان‌شمول انسانی چگونه باید در ارزش‌ها، اهداف و عملکردهای افراد به کار گرفته شوند. به عبارت دیگر، هوش اخلاقی توانایی تشخیص درست از اشتباه است که با اصول جهانی سازگار باشد (لینک و کیل، ۱۳۸۸). محققان مفهوم هوش اخلاقی را در قالب پرورش هفت فضیلت مطرح کرده‌اند. این فضایل عبارت‌اند از همدلی، وجدان، خویشتن‌داری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف.

هوش اخلاقی، نقطه عطفی برای تمام هوش‌ها در نظر گرفته شده و در واقع، «هوش حیاتی» برای همه انسان‌هاست و به این حقیقت اشاره می‌کند که انسان به صورت ذاتی، اخلاقی یا غیراخلاقی متولد نمی‌شود، بلکه یاد می‌گیرد که چگونه خوب باشد. از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، سازه هوش

1. Petti & Charles

2. Link & Kill

اخلاقی دربرگیرنده چهار بعد اصلی شامل درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش و دلسوزی و دارای ده زیرمجموعه شایستگی شامل انسجام، صداقت، شجاعت، رازداری، انجام تعهد انفرادی، خودکنترلی و خودمحمورسازی، کمک به دیگران و درک نیازهای روحی خود است. هوش اخلاقی ویژگی‌های یاری‌دهنده تبدیل‌شدن به یک انسان خوب و شایسته است (بوریا، ۱۳۹۴). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد نارسایی‌ها از زمینه‌های تربیتی، اخلاقی، معنوی و همانندسازی‌های غلط با خانواده و همسال‌ها از زمینه‌های مهم و مؤثر گرایش نوجوانان به رفتارهای خلاف قانون، عدم مسئولیت‌پذیری و گرایش به بزه است (یاسمی‌نژاد، ۱۳۹۳). بنابراین، آموزش هوش اخلاقی و تلاش برای ایجاد آن در کودکان و نوجوانان و جوانان، انتخاب شیوه مناسب برای انتقال مفاهیم اخلاقی به آن‌ها امری ضروری است. مدارس می‌توانند قصورهایی را که ممکن است در خانواده وجود داشته باشد، جبران کنند (کلارکن^۱، ۲۰۰۹). در این زمینه، در این زمینه نتایج تحقیقات جعفری و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد بین هوش اخلاقی و سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد و هوش اخلاقی قادر به پیش‌بینی تغییرات سرمایه اجتماعی است؛ نتایج تحقیقات نریمانی و غفاری (۱۳۹۲) نشان داد تاب‌آوری والدین کودکان دارای ناتوانی یادگیری با خرده‌مقیاس‌های هوش اخلاقی (درستکاری، بخشش، مسئولیت‌پذیری و دلسوزی) رابطه مثبت و معناداری دارد؛ نتایج تحقیق ترنر و استانفیلد^۲ (۲۰۱۰) نشان داد چگونه رهبران با هوش اخلاقی بالا می‌توانند موفقیت سازمانی خود را تضمین کنند. صاحب‌نظران دیگری نیز در بررسی‌های خود بیان داشتند که اعمال و رفتارهای اخلاقی و ارزشی کارکنان مانند راستگویی، مسئولیت‌پذیری (مؤلفه‌های هوش اخلاقی) بر میزان تعهد و وفاداری کارکنان و اعتماد و رضایت آنان (مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی) تأثیرگذار است (هیچکاو اکنیس^۳، ۲۰۱۱). همچنین، محمودی، خانی و غفاری، (۱۳۹۶) نشان دادند بین متغیر نوع‌دوستی و مؤلفه‌های هوش اخلاقی (درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش و دلسوزی) با نگرش پرستاران نسبت به رعایت حقوق بیماران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

-
1. Clarken
 2. Turner & Estansfield
 3. Hejka-Ekins

بنابراین، با توجه به اهمیت مطالب مطرح شده، این پژوهش به منظور بررسی تأثیر آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع دوستی دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان انجام گرفت. در پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر بررسی شد:

فرضیه ۱. آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه روان‌شناختی دانشجومعلم‌ان پسر دانشگاه فرهنگیان تأثیر دارد.

فرضیه ۲. آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه اجتماعی دانشجومعلم‌ان پسر دانشگاه فرهنگیان تأثیر دارد.

فرضیه ۳. آموزش هوش اخلاقی بر نوع دوستی دانشجومعلم‌ان پسر دانشگاه فرهنگیان تأثیر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل همه دانشجومعلم‌ان پسر مشغول تحصیل دانشگاه فرهنگیان اهواز، پردیس حضرت رسول اکرم (ص) در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. برای تعیین نمونه از روش تصادفی ساده استفاده شد و از میان پانصد و هفتاد نفر دانشجو ابتدا چهل نفر به صورت تصادفی انتخاب و سپس این چهل نفر به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (۲۰ نفر گروه آزمایش و ۲۰ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره و به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ تجزیه و تحلیل شد. ملاک‌های ورود به مطالعه عبارت بودند از دانشجومعلم دانشگاه فرهنگیان بودن، جنسیت پسر، عدم شرکت همزمان در برنامه‌های آموزشی دیگر و رضایت داوطلبانه و آمادگی جسمی و روانی جهت حضور در جلسات بود؛ همچنین، ملاک خروج از مطالعه نیز عدم تمایل به ادامه همکاری با پژوهشگران بود. برای جمع‌آوری داده‌ها از سه پرسشنامه استفاده شد که به طور مختصر در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی: در این پژوهش برای سنجش سرمایه روان‌شناختی از ساخته و توسعه یافته استفاده شد. پرسشنامه مذکور شامل ۲۴ سؤال است که بر اساس مقیاس ۶ درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. کسب نمره بیشتر در این پرسشنامه به منزله

برخورداری بیشتر از سرمایه روان‌شناختی است. هم تحلیل عاملی اکتشافی و هم تأییدی و هم رویی‌هایی که از طریق چهار نمونه مختلف فراهم شد، نویدبخش حمایت روان‌سنجی برای پرسشنامه سرمایه روان‌شناختی می‌باشند (لوتانز و اولیو، ۲۰۰۷). براساس هویدا و همکاران (۱۳۹۱)، در ایران این پرسشنامه پس از ترجمه و بازنگری، رویی محتوایی آن توسط متخصصان روان‌شناسی صنعتی سازمانی و مدیریتی تأیید شد (حسین‌زاده و رستگار، ۱۳۹۲). نمره کل این پرسشنامه ۱۴۴ و نقطه برش این پرسشنامه ۸ است (لوتانز و اولیو، ۲۰۰۷). همچنین، میزان پایایی این پرسشنامه در پژوهش بهادری خسروشاهی، هاشمی نصرت‌آباد و باباپورخیرالدین (۱۳۹۱) بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش شده است. میزان پایایی در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۸ به دست آمد.

پرسشنامه سرمایه اجتماعی: برای سنجش سرمایه اجتماعی از مقیاس سرمایه اجتماعی دلاویز، (۱۳۸۷) استفاده شد. این پرسشنامه به منظور سنجش سرمایه اجتماعی در دانشجویان دانشگاه‌های سراسری، علوم پزشکی، آزاد و پیام نور هنجاریابی شده است (دلاویز، ۱۳۸۷). این پرسشنامه حاوی ۲۷ سؤال می‌باشد و روش نمره‌گذاری آن بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت است که نمره سؤالات ۱۸، ۱۹ و ۲۰ به صورت معکوس و بقیه سؤالات به ترتیب، کاملاً موافقم (۴) و کاملاً مخالفم (۰) نمره‌گذاری می‌شوند. بر این اساس، نمره کل این آزمون ۱۰۸ است. دلاویز (۱۳۸۷) میزان پایایی این پرسشنامه را بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش کرده است. میزان پایایی در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۷ به دست آمد.

پرسشنامه گرایش‌های اجتماعی مطلوب: برای سنجش نوع‌دوستی از مقیاس گرایش‌های اجتماعی مطلوب تجدیدنظرشده کارلو^۱ و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۵ سؤال است و روش نمره‌گذاری آن به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است که برای گزینه‌های «اصلاً مرا توصیف نمی‌کند»، «تا حدی مرا توصیف نمی‌کند»، «بدون نظر»، «تا حدی مرا توصیف می‌کند» و «کاملاً مرا توصیف می‌کند» به ترتیب، امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ در نظر گرفته می‌شود. نمره

کل این مقیاس نیز ۱۲۵ است. بر اساس گزارش کارلو و همکاران (۲۰۰۳) ضریب پایایی این مقیاس بر اساس آلفای کرونباخ ۰,۷۸ گزارش شده است. میزان پایایی در پژوهش حاضر با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰,۸۹ به دست آمد.

برای اجرای برنامه مداخله آموزش هوش اخلاقی به صورت زیر عمل شد. در این پژوهش محتوای جلسات آموزش هوش اخلاقی، بسته آموزشی هوش اخلاقی بر اساس رساله دکتری گل-محمدیان (۱۳۹۲) در دانشگاه علامه طباطبایی تهران بود که با توجه به هدف و محتوای آموزشی بسط داده شد. شرح مختصر جلسات آموزشی در زیر آمده است. شایان ذکر است کل جلسات هشت جلسه ۷۵ دقیقه‌ای و هفته‌ای یک جلسه بوده است که طبق جدول ۱، برگزار شد.

جدول ۱. محتوای جلسات برنامه آموزش هوش اخلاقی

جلسه	محتوای جلسات
اول	آشنایی، معرفی اعضا، بیان قوانین جلسات (از قبیل احترام، گوش‌دادن، رازداری و...) آموزش فضیلت همدلی.
دوم	دریافت بازخورد از جلسه قبل، مرور تکالیف واگذار شده آموزش فضیلت وجدان (سه مرحله ایجاد وجدان خلل‌ناپذیر و کارهایی که در مورد بحران وجدان می‌توان انجام داد).
سوم	دریافت بازخورد از جلسه قبل، مرور تکالیف واگذار شده.
چهارم	دریافت بازخورد از جلسه قبل و مرور تکالیف واگذار شده، آموزش فضیلت احترام (بحران بی‌احترامی و زوال نزاکت و سه مرحله ایجاد آن).
پنجم	دریافت بازخورد از جلسه قبل و مرور تکالیف، آموزش فضیلت مهربانی و سه مرحله در ایجاد آن.
ششم	دریافت بازخورد و مرور تکالیف، آموزش فضیلت بردباری و سه مرحله در ایجاد آن.
هفتم	دریافت بازخورد از جلسه قبل و مرور تکالیف واگذار شده آموزش فضیلت انصاف و سه مرحله در ایجاد آن.
هشتم	دریافت بازخورد و مرور تکالیف واگذار شده. جمع‌بندی از کلیه فضیلت‌های اخلاقی و در نهایت، یک هفته پس از اجرای آخرین جلسه، اجرای پس‌آزمون.

یافته‌های پژوهش

در رابطه با مشخصات جمعیت‌شناختی دانشجومعلم‌ان، ۸ نفر متأهل (۲۰ درصد) و ۳۲ نفر مجرد (۸۰ درصد)؛ ۲۳ نفر دبیری (۵۷/۵ درصد) و ۱۷ نفر آموزش ابتدایی (۴۲/۵ درصد) بودند.

جدول ۲، میانگین و انحراف معیار نمره‌های سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع‌دوستی گروه‌های آزمایش و کنترل را به تفکیک گروه‌ها و مراحل نشان می‌دهد.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع‌دوستی در گروه‌های آزمایش و کنترل، به تفکیک در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه‌ها متغیرها	آزمایش				کنترل			
	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
سرمایه روان‌شناختی	۴۰٫۱	۷٫۵۰۳	۱۱۰٫۰۵	۳٫۶۰۵	۳۴٫۹۵	۴٫۲۴۸	۳۷٫۴	۵٫۹۵
سرمایه اجتماعی	۲۸٫۸۵	۶٫۸۲۳	۹۳٫۵۵	۷٫۴۴۴	۳۶٫۷۵	۳٫۲۹	۳۵٫۶۵	۵٫۰۱۸
نوع‌دوستی	۴۱٫۵	۳٫۶۶۳	۱۰۷٫۰۵	۴٫۸۵	۳۸٫۴	۴٫۴۸۸	۳۷٫۲	۵٫۰۵۳

همان‌طور که اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد، میانگین نمرات مربوط به متغیرهای سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع‌دوستی در گروه‌های آزمایش و کنترل در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون با هم تفاوت دارد به گونه‌ای که میانگین نمرات گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون بیش‌تر از نمرات گروه کنترل است. برای مشخص کردن معناداری تفاوت بین متغیرهای فوق از تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده شد و برای بررسی تفاوت‌های مشاهده‌شده در این متغیرها، ابتدا مفروضه‌های لازم جهت انجام تحلیل کوواریانس بررسی شد.

در پژوهش حاضر، پیش‌آزمون‌های سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع‌دوستی به عنوان متغیرهای کمکی (کواریت) تلقی شدند. همبستگی بین پیش‌آزمون‌های سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع‌دوستی برابر ۰٫۵۰ به دست آمد ($P < ۰٫۰۵$). با توجه به همبستگی به دست آمده، می‌توان گفت مفروضه عدم هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای کمکی (کواریت‌ها) رعایت شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون همگنی واریانس‌ها (لوین) بین متغیرهای وابسته پژوهش در گروه‌های آزمایش و کنترل

اثر	متغیر وابسته	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	F	سطح معناداری
گروه	سرمایه روان‌شناختی	۱	۳۸	۱٫۷۱۵	۰٫۱۹۸
	سرمایه اجتماعی	۱	۳۸	۰٫۵۲۳	۰٫۳۸۷
	نوع‌دوستی	۱	۳۸	۰٫۷۹۲	۰٫۳۷۹

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، آزمون لوین در سرمایه روان‌شناختی ($F=0,715$)، سرمایه اجتماعی ($F=0,523$ ، $P=0,387$) و نوع دوستی ($F=0,792$ و $P=0,379$)، غیر معنادار می‌باشند. در نتیجه، فرض همگنی واریانس‌ها تأیید می‌شود. جدول ۴ نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف برای بررسی پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج کلموگروف-اسمیرنوف برای بررسی پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرها

سطح معناداری	کلموگروف-اسمیرنوف Z	پس آزمون‌ها
۰,۱۵۶	۰,۱۶۵	سرمایه روان‌شناختی
۰,۱۲۷	۰,۱۷۱	سرمایه اجتماعی
۰,۲	۰,۱۱۵	نوع دوستی

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون کلموگروف-اسمیرنوف از مقدار ۰,۰۵ بیشتر است، بنابراین، پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیرها رعایت شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری بر روی میانگین نمره‌های پس آزمون سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع دوستی آزمودنی‌های گروه‌های آزمایش و کنترل

نام آزمون	مقدار	F	فرضیه df	خطا df	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آماری
اثر پیلائی	۰,۹۸۵	۷۱۴,۵۶۳	۳	۳۳	۰,۰۱	۰,۹۸۵	۱
لامبدای ویلکز	۰,۰۱۵	۷۱۴,۵۶۳	۳	۳۳	۰,۰۱	۰,۹۸۵	۱
اثر هتلینگ	۶۴,۹۶	۷۱۴,۵۶۳	۳	۳۳	۰,۰۱	۰,۹۸۵	۱
بزرگ‌ترین ریشه روی	۶۴,۹۶	۷۱۴,۵۶۳	۳	۳۳	۰,۰۱	۰,۹۸۵	۱

اطلاعات جدول ۵ نشان می‌دهد که بین گروه‌های آزمایش و کنترل از لحاظ متغیرهای وابسته در سطح $P \leq 0,01$ تفاوت معناداری وجود دارد و می‌توان گفت که حداقل در یکی از متغیرهای وابسته (سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع دوستی) بین دو گروه، تفاوت معنادار وجود دارد. برای پی بردن به این تفاوت دو تحلیل کوواریانس در متن مانکوا صورت گرفت. با توجه به

اندازه اثر ۰٫۹۸۵ درصد از کل واریانس‌های گروه‌های آزمایش و کنترل ناشی از اثر متغیر مستقل است. همچنین، توان آماری آزمون برابر با ۱ است، بدین معنا که آزمون توانسته با توان ۱۰۰ درصد فرض صفر را رد کند.

جدول ۶. نتایج تحلیل کوواریانس مربوط به میانگین نمره‌های پس‌آزمون سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع دوستی آزمودنی‌های گروه‌های آزمایش و کنترل

توان آماری	اندازه اثر	سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	متغیر وابسته
۱	۰٫۹۶	۰٫۰۱	۱۰۵۸٫۷۴	۲۶۱۷۰٫۱۲	۱	۲۶۱۷۰٫۱۲	سرمایه روان‌شناختی
۱	۰٫۹۳	۰٫۰۱	۵۱۷٫۳۸	۱۷۶۳۰٫۴۳	۱	۱۷۶۳۰٫۴۳	سرمایه اجتماعی
۱	۰٫۹۶	۰٫۰۱	۱۰۷۹٫۵۳	۲۳۵۸۱٫۷۹	۱	۲۳۵۸۱٫۷۹	نوع دوستی

با توجه به اطلاعات جدول ۶، مقدار F برای متغیر سرمایه روان‌شناختی، ۱۰۵۸٫۷۴۹، سرمایه اجتماعی، ۱۷۶۳۰٫۴۳۷ و برای متغیر نوع دوستی، ۱۰۷۹٫۵۳۶ به دست آمد که برای هر سه متغیر در سطح $P=0.01$ معنادار است، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه روان‌شناختی تأثیر دارد و فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. همچنین فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تأثیر آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه اجتماعی تأیید می‌شود. آموزش هوش اخلاقی همچنین، توانسته است بر نوع دوستی گروه آزمایش تأثیر بگذارد، بنابراین، فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه روان‌شناختی، سرمایه اجتماعی و نوع دوستی دانشجو معلمان پسر دانشگاه فرهنگیان انجام گرفت. که در ادامه، نتایج سه فرضیه پژوهش را بررسی می‌شود.

فرضیه اول: آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه روان‌شناختی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان تأثیر دارد.

همان‌طور که نتایج نشان داد آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه روان‌شناختی تأثیر داشت و تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایشی و کنترل مشاهده شد. نتایج با یافته‌های سوری، حجازی و سوری‌نژاد (۱۳۹۳)؛ خدابخشی کولایی و همکاران (۱۳۹۲)، کشاورزی و یوسفی (۱۳۹۱)، و پرونسایی، ربیعی و ستوده (۱۳۹۲) که نشان دادند همبستگی بین هوش اخلاقی و سایر توانایی‌های ذهنی با تحمل سختی و ناراحتی، مثبت و معنادار است، هم‌خوانی دارد. همچنین، با نتایج تحقیق نریمانی و غفاری (۱۳۹۲) نشان دادند تاب‌آوری والدین کودکان دارای ناتوانی یادگیری با خرده‌مقیاس‌های هوش اخلاقی (درستکاری، بخشش، مسئولیت‌پذیری و دلسوزی) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، یا به عبارت دیگر، میزان تاب‌آوری، در والدینی که از هوش اخلاقی بالایی برخوردارند بودند، بیشتر بوده، همسو است. همچنین، محمدی و همکاران (۱۳۹۲)، حسین‌دخت، فتحی‌آشتیانی و تقی‌زاده (۱۳۹۲)، هادی‌تبار، نوابی‌نژاد و احقر (۱۳۹۰)، براون^۱ (۲۰۱۳)، و رانا^۲ (۲۰۱۳) نشان دادند ارتباط بین هوش اخلاقی و کیفیت زندگی والدین کودکان دارای ناتوانی یادگیری مثبت و معنادار است؛ با این معنا که افرادی که هوش اخلاقی بالاتری دارند، از کیفیت زندگی بیشتری برخوردارند تا حدودی با یافته‌های این پژوهش هم‌خونی دارند. علاوه بر آن بر اساس برخی تحقیقات، معنویت پیش‌بینی‌کننده قوی مایه امید و سلامت روان به شمار می‌رود (موس و دابسون^۳، ۲۰۰۶).

رقیبی و ربانی (۱۳۹۱) نشان دادند با آموزش راهبردهای خوش‌بینی، میزان هوش هیجانی بزه‌کاران پسر افزایش یافته است. سلیمان معتقد است به وسیله تغییر سبک اسنادی و آموزش خوش‌بینی، می‌توان توانایی‌هایی از قبیل شادزیستن، لذت‌بردن و قدرت حل مسأله را افزایش داد (سلیمان، ۱۳۸۳). پژوهش‌های دیگر نیز نشان دادند که تغییر سبک تبیین بدبینی به خوش‌بینی با کاهش بدخلقی و افزایش شادمانی، سلامتی و عملکرد بهتر همراه است (باچانان، گاردن‌وارتس و سیلگمن^۴، ۱۹۹۹). از نظر سیلگمن، اگر درماندگی آموختنی است، پس به وسیله تغییر سبک‌های اسنادی می‌توان خوش‌بینی را نیز آموخت (سیلگمن، ۱۳۸۳). همچنین، نتیجه پژوهش امید، حیدربگی و هواسی (۱۳۹۶) نشان داد همبستگی مثبتی بین ابعاد هوش اخلاقی و امید به زندگی

-
1. Browen
 2. Runa
 3. Mous & Dabson
 4. Bachnan, Gardnes- Wartese & Seligman

وجود دارد. امیدواری باعث پرورش دید خوش‌بینانه نسبت به زندگی می‌شود. فشارزابدن وقایع را کاهش می‌دهد و به زندگی معنا و هدف می‌بخشد. امید به زندگی انسان را به تلاش و کوشش واداشته و به سطح بالایی از عملکردهای مناسب روانی و رفتاری نزدیک می‌کند (گل‌محمدنژاد، رنجبر و عدالت‌زاده، ۱۳۹۲). در تحقیق دیگری بین هوش اخلاقی و امید رابطه مثبت و معناداری یافت شد (زارع خلیلی، رفاهی و قادری، ۱۳۹۲).

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت افرادی که سرمایه روان‌شناختی بالایی دارند، امیدوارند با داشتن اراده و مسیرهای جایگزین، اهدافشان را به سرانجام رسانند، به‌طور واقعی درباره دستیابی به پیامدهای مثبت در محیط کاری خود ایجاد کنند و از سختی‌ها دور شوند، همه این عوامل مثبت به آن‌ها در خلق روش‌های درسی، کاری و شغلی نو و متفاوت کمک می‌کند (آوی، لوتانز و جنسن، ۲۰۰۹). به عبارت دیگر، می‌توان گفت، سرمایه روان‌شناختی اگرچه تا حد زیادی به شرایط فردی بستگی دارد، اما تأثیر عوامل اخلاقی در بروز یا افول آن بسیار پررنگ‌تر می‌تواند باشد. هوش اخلاقی می‌تواند گستره و ژرفای توانمندی‌های فکری و عاطفی را در همه مراحل و ابعاد زندگی نمایان کند و نیکی و نیکی‌خویی را پدید آورد؛ بنابراین، هوش اخلاقی به عنوان زیربنای قضاوت فرد درباره خود و سازماندهی ارزشی به موقعیت خود نقش اساسی را در زمینه‌های گوناگون به ویژه ارتقا و تأمین سرمایه روان‌شناختی ایفا کند (پورجمشیدی و بهشتی‌راد، ۱۳۹۴).

فرضیه دوم، آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه اجتماعی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان تأثیر دارد.

همان‌طور که نتایج نشان داد، آموزش هوش اخلاقی بر سرمایه اجتماعی دانشجومعلم‌ان تأثیر داشته و توانسته است آن را به‌طور چشمگیری افزایش دهد، این یافته با نتایج تحقیق محققانی که نشان دادند چگونه رهبران با هوش اخلاقی بالا می‌توانند موفقیت سازمانی خود را تضمین کنند، همسو است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹). صاحب‌نظران دیگری نیز در بررسی‌های خود بیان داشتند که اعمال و رفتارهای اخلاقی و ارزشی کارکنان مانند راستگویی، مسئولیت‌پذیری (مؤلفه‌های هوش اخلاقی) بر میزان تعهد و وفاداری کارکنان و اعتماد و رضایت آنان (مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی)

تأثیرگذار است (هیچکاو‌اکنیس، ۲۰۱۱). محقق دیگر در تحقیق خود به این نتیجه رسید که اعتماد متقابل شرطی برای تشریح مساعی است و تثبیت این اعتماد یک التزام اخلاقی ویژه‌ای برای هر عضو سازمان به وجود می‌آورد و این عمل نیازمند رهبری باهوش اخلاقی بالاست که بتواند سهم مهمی را در ایجاد این اعتماد داشته باشد (گل‌من، ۲۰۰۷). در تبیین یافته‌های فوق می‌توان گفت هنگامی که افراد در زندگی خود اصول اخلاقی را در نظر می‌گیرند و به عنوان معیاری در روابط خود به آن رجوع می‌کنند و سعی در کسب رضایت اطرافیان دارند، ممکن است محافظتی در برابر مشکلات باشند. این افراد کارآمد هستند و عادات فکری خود را در اختیار دارند که موجب می‌شود مولد و کارا باشند. افراد اخلاق‌گرا دارای تعهد به ایده‌های اخلاقی و ظرفیت مناسب برای یادگیری از دیگران هستند (امامی، مولوی و کلانتری، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر، آدمی در چارچوب‌های ترسیم‌شده فرهنگی و اجتماعی به سر می‌برد و به طور پیوسته از منابع فرهنگی، بازخوردهای اطلاعاتی و اصلاحی دریافت می‌کند. این بازخوردها قادرند در شکل‌دهی اهداف، معنای زندگی، مقاومت در برابر فشار و خود ارزیابی‌های مثبت و منفی نقش ماندگار ایفا کنند. از این رو، فقدان شبکه‌های اجتماعی حمایت‌کننده و گسست روابط بین‌فردی و افول اعتماد بین‌فردی قادرند از تظاهرات توانمندی‌های فردی در عرصه‌های اجتماعی بازدارند کنند. در واقع، فضاهای بی‌اعتمادی و گسست اجتماعی، فرصت جرأت‌ورزی و خودابرازی را از آدمی گرفته، او را از منابع عظیم بازخوردی محروم می‌کند. فقدان این منابع، چشم‌انداز روندهای آتی زندگی را برای فرد در ابهام فرو می‌برد و یأس، ناامیدی و بدبینی را در نظام ادراکی و روان‌شناختی فرد جایگزین می‌کند. به نظر می‌رسد، چشم‌اندازی که این زمینه را فراهم می‌آورد هوش اخلاقی است. بنابراین، می‌توان گفت که در اثر ارتباط بین هوش اخلاقی و سرمایه اجتماعی، ابعاد و بسترهای مطلوب‌سازی زندگی اجتماعی بین دانشجومعلم‌ان را به نوعی می‌توان از هوش اخلاقی آنان با معیارهای ذهنی برتر و ارزشمند آنان مبنی بر برخورد با رویدادها دانست (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹). مؤلفه بخشش هوش اخلاقی نیز بدین معناست که دانشجویان ضمن آگاهی از عیوب خود و دیگران، از مهارت بخشیدن برخوردارند.

دل‌سوزی به مفهوم مراقبت فعال از دیگران (مهربانی) است. البته دل‌سوزی، گسترده‌تر از مراقبت صرف از دیگران و نشان‌دهنده احترام فرد به دیگران نیز است که یک اثر بازگشتی دارد، زیرا در تعاملات اجتماعی، غالباً وقتی که انسانی مهربان و دلسوز در شرایط بحرانی قرارگیرد، دیگران نسبت به او همدردی می‌کنند (رحیمی و محمدیان، ۱۳۹۴).

فرضیه سوم: آموزش هوش اخلاقی بر نوع دوستی دانشجو معلمان پسر دانشگاه فرهنگیان تأثیر دارد. همان‌طور که نتایج نشان داد آموزش هوش اخلاقی بر نوع دوستی دانشجو معلمان تأثیر داشته و توانسته آن را افزایش دهد، این یافته با نتایج پژوهش‌های زیر همخوانی دارد: تقوی و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند آموزش هوش اخلاقی بر رفتار نوع دوستی کودکان زیر ۷ سال تأثیر معناداری دارد. محمودی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند بین متغیر نوع دوستی و مؤلفه‌های هوش اخلاقی (درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش و دلسوزی) با نگرش پرستاران نسبت به رعایت حقوق بیماران رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و همچنین، یافته پلی‌گرینو نشان داد برای افزایش انگیزه پرستاران نسبت به رعایت حقوق بیماران باید نوع دوستی را در آنان تقویت کرد (پلی‌گرینو، ۱۹۸۸). پرستارانی که هوش اخلاقی بالایی دارند حساسیت بیشتری را نسبت به رعایت حقوق بیماران از خود نشان می‌دهند (مایر^۲، ۲۰۱۳). هوش اخلاقی سبب تفسیر صحیح و احترام به حقوق دیگران می‌شود (شیرزاد و نوذری، ۱۳۹۴). افراد توانمند به دل‌سوزی (مؤلفه هوش اخلاقی) نسبت به سایر گروه‌ها، حقوق دیگران را بیشتر رعایت می‌کنند (اسنبرگ^۳، ۱۹۹۹). بیشتر پرستاران و کارکنان بهداشت و درمان، حس نوع دوستی را اولین دلیل برای رعایت اخلاقیات و حرفه خویش معرفی کردند (آرنالد^۴، ۲۰۰۲). در تبیین دلایل اثرگذاری آموزش هوش اخلاقی بر رفتار نوع دوستی می‌توان گفت محرک رفتار نوع دوستانه که همان کمک داوطلبانه برخاسته از نیاز یا رفاه دیگری است، پاسخ همدلانه و همچنین، اصول درونی شده همساز با کمک به دیگری است (دامون، لرنر و ایسنبرگ^۵،

-
1. Pellegrino
 2. Mayer
 3. Eisenberg
 4. Arnold
 5. Damon, Lerner & Eisenberg

۲۰۰۶). در واقع، دو عامل اصلی برای رفتارهای اجتماعی نوع‌دوستانه، همدلی و اصول درونی شده می‌باشند و از آنجا که همدلی یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی است و همچنین، آموزش هوش اخلاقی می‌تواند باعث هدایت رفتارهای فرد شود و به عنوان یک جهت‌یاب عمل کند و بنابراین، می‌تواند باعث تقویت روابط بین‌فردی، تقویت روابط و سازگاری اجتماعی شود، در نتیجه، فرد می‌تواند با دیگران همدلی کند و باعث افزایش نوع‌دوستی در فرد شود. بنابراین، هوش اخلاقی مانند قطب‌نما است که عملکرد انسان را کنترل می‌کند (بهشتی‌فر و همکاران، ۱۳۸۹). افراد توانمند به دلسوزی (مؤلفه هوش اخلاقی) نسبت به سایر گروه‌ها، حقوق دیگران را بیشتر رعایت می‌کنند (اسینبرگ و همکاران، ۱۹۹۹). همچنین، یادگیری توجه و احترام مؤلفه دیگر هوش اخلاقی باعث می‌شود که فرد به حقوق و احساسات دیگران توجه کند، و برای خود نیز احترام بیشتری قائل خواهد بود. این صفت فرد را راهنمایی می‌کند با دیگران همان‌گونه رفتار کند که دوست دارد با خودش رفتار شود. با پرورش مهربانی، فرد یاد می‌گیرد خودخواهی کمتر و محبت بیشتری داشته باشد، بیشتر به نیازهای دیگران فکر می‌کند و علاقه بیشتری به مردم نشان می‌دهد و بیشتر هم مدافع انانی خواهد بود که دچار مشکل شده‌اند، یا مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. صبر و بردباری باعث می‌شود با دیگران عادلانه و منصفانه رفتار کند، حق دیگران را ضایع نمی‌کند و بدون تعصب تصمیم‌گیری می‌کند (یاعلی و گرجی، ۱۳۹۵).

به طور کلی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند تلویحات مهمی در زمینه آموزش و تربیت دانشجومعلم‌ان در برداشته باشد. فراهم کردن بستر و محیط‌های آموزشی دلگرم‌کننده و حمایتی، که روحیه مثبت‌نگری دانشجومعلم‌ان را افزایش دهد، می‌تواند پیامدهای مثبتی برای دانشجویان و آموزش و پرورش داشته باشد. از آنجا که هوش اخلاقی قابل آموزش است و مؤلفه‌های آن قابلیت رشدپذیری دارند و رهنمودهای روشن و راهبردهای متعدد و موفق در ادبیات روان‌شناسی مثبت‌نگر برای افزایش درستکاری، مسئولیت‌پذیری، دلسوزی، بخشش، خدمات به دیگران، تواضع و احترام، قدرشناسی و آرامش و صلح وجود دارد که می‌توان با ارائه کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی آن‌ها را آموزش داد. حتی به صورت واحد درسی دانشجومعلم‌ان در نظر گرفت زیرا این دانشجویان، معلم‌ان

آینده خواهند بود که با انتقال این مفاهیم و مهارت‌ها به دانش‌آموزان می‌توانند چشم‌انداز روشن و نویدبخشی را برای آینده آموزش و پرورش رقم بزنند. همچنین، شایان ذکر است که سرمایه روان‌شناختی و سرمایه اجتماعی و همچنین نوع دوستی نیز قابل آموزش هستند و می‌شود این متغیرهای مرتبط با هوش اخلاقی را در کتابی درسی برای دانش‌جو معلمان در نظر گرفت و به عنوان واحد درسی پایه منظور داشت. این پژوهش محدودیت‌هایی نیز داشت از جمله اینکه فقط در یک واحد پردیس دانشگاهی اجرا شده است و همچنین، متغیرهای دیگر شخصیتی که مرتبط با هوش اخلاقی هستند و در این پژوهش آورده نشدند، از جمله بخشودگی بین فردی و سازگاری تحصیلی و هیجانی و اجتماعی و... را به محققانی که علاقمند به ادامه این پژوهش هستند، پیشنهاد می‌شود.

منابع

- امامی، زهرا، مولوی، حسین، و کلاتری، مهرداد (۱۳۹۵). تحلیل مسیر اثر هوش معنوی و هوش اخلاقی بر خودشکوفایی و رضایت از زندگی در سالمندان شهر اصفهان. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۵(۲)، ۱۳-۴.
- امیدی، رسول، حیدریبگی، شهلا، و هواسی، کبری (۱۳۹۶). بررسی رابطه هوش اخلاقی و امید به زندگی. *دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت انسانی دانشگاه تهران*.
- بوریا، ملیکه (۱۳۹۴). *پرورش هوش اخلاقی در کودکان*. ترجمه فیروزه کاوسی، تهران: انتشارات رشد.
- بهادری خسروشاهی، جعفر، هاشمی نصرت‌آباد، تورج، و باباپورخیرالدین، جلیل (۱۳۹۱). رابطه سرمایه روان‌شناختی با سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز. *پژوهش و سلامت، مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت گناباد*، ۲(۱)، ۷۱-۶۳.
- بهشتی‌فر، ملیکه، و نکویی‌مقدم، محمود (۱۳۸۹). رابطه رفتار اخلاقی مدیران با رضایت شغلی کارکنان. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۵(۱-۲)، ۷۳-۶۷.
- پورجمشیدی، مریم، و بهشتی‌راد، رقیه (۱۳۹۴). تأثیر هوش اخلاقی و سلامت روان بر شادکامی دانشجویان. *پژوهشنامه روان‌شناسی مثبت*، ۱(۴)، ۶۶-۵۵.
- پورنسایی، غزل‌سادات، ربیعی، فاطمه، و ستوده، سیدامیر (۱۳۹۲). رابطه سلامت روان و هوش معنوی با تاب‌آوری در بین دانش‌آموزان پایه ششم شهرستان بندر انزلی، *ششمین کنفرانس بین‌المللی روان‌پزشکی کودک و نوجوان*. دانشگاه علوم پزشکی تبریز.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۹). *پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن*. قم: نشر شرکت حکایت قلم نوین.
- جعفری، عیسی، پورمحسنی، فرشته، قبادی، زهرا، و تکلوی‌ورنیاب، سمیه (۱۳۹۹). نقش هوش اخلاقی و سرمایه روان‌شناختی در پیش‌بینی سرمایه اجتماعی سربازان. *روان‌شناسی نظامی*، ۱۱(۴۱)، ۳۹-۲۷.

- حسین دخت، آرزو، فتحی آشتیانی، علی، و تقی زاده، محمداحسان (۱۳۹۲). رابطه هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی. *روان‌شناسی دین*، ۶(۲)، ۷۴-۵۷.
- حسین زاده، طیبه، و رستگار، احمد (۱۳۹۲). رابطه سرمایه‌های روان‌شناختی و تمایل به ترک شغل با تأکید بر نقش واسطه‌ای فرسودگی شغلی. *مطالعات آموزشی و آموزشگاهی*، ۲(۷)، ۵۳-۳۴.
- خدابخشی کولایی، آناهیتا، حیدری، صدیقه، خوش‌کنش، ابوالقاسم، و حیدری، محمود (۱۳۹۲). ارتباط هوش معنوی با تاب‌آوری در برابر استرس و ترجیح روش زایمان در بین زنان باردار. *زنان، مامایی و نازایی*، ۱۶(۵۸)، ۸-۱۵.
- دلاویز، علی (۱۳۸۷). بررسی سرمایه اجتماعی در بین معلمان شهرستان مریوان. *نشریه زیربار*، ۵(۶۵-۶۶)، ۶۵-۷۱.
- رحیمی، حمید، و محمدیان، آسیه (۱۳۹۴). تحلیل روابط ساده و چندگانه بین هوش اخلاقی و سرمایه اجتماعی با میزان مسئولیت‌پذیری دانشجویان دانشگاه. *مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۴(۱)، ۹۵-۶۹.
- رقیبی، مهوش، و ربانی، مرجان (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت‌های خوش‌بینی بر هوش هیجانی پسران کانون اصلاح و تربیت شهر کرمان. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۹(۱۵)، ۱۲۴-۱۰۸.
- زارع‌خلیلی، معصومه (۱۳۹۲). *رابطه هوش اخلاقی و تعالی معنوی با امید به زندگی در مدارس آموزش و پرورش ناحیه یک شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشگاه مرودشت.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی: ابعاد، شاخص‌ها و دیدگاه‌ها. *نشریه مجازی*، ۱(۱)، ۵۱-۴۱.
- سلیم‌ن، مارتی (۱۳۸۳). *کودک خوش‌بین*. ترجمه داورپناه، تهران: رشد.
- سوری، حسین، حجازی، الهه، و سوری‌نژاد، محسن (۱۳۹۳). رابطه تاب‌آوری و بهزیستی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای خوش‌بینی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۵(۱)، ۱۵-۵.
- سیادت، سیدعلی، کاظمی، ایرج، و مختارپور، مرضیه (۱۳۸۸). رابطه بین هوش اخلاقی و رهبری تیمی در مدیران آموزشی و غیر آموزشی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان ۱۳۸۸. *مدیریت سلامت*، ۱۲(۳۶)، ۶۹-۶۱.

- شیرزاد، فاطمه، و نوذری، معصومه (۱۳۹۴). نقش واسطه‌ای تحریف‌های شناختی در رابطه بین هوش اخلاقی و خودکارآمدی عمومی. *اولین همایش علمی پژوهشی روان‌شناسی، علوم تربیتی و آسیب‌شناسی جامعه*. <https://civilica.com/doc/439008/>
- عبداللهی، محمد، و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران: وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار. *رفاه اجتماعی*، ۶(۲۵)، ۱۹۵-۲۳۳.
- کشاورزی، سمیه، و یوسفی، فریده (۱۳۹۱). بررسی رابطه هوش معنوی، عاطفی و تاب‌آوری. *روان‌شناسی*، ۱۶(۳)، ۲۹۹-۳۱۸.
- گل محمدنژاد، غلام‌رضا، رنجبر، فاطمه، و عدالت‌زاده، گلنار (۱۳۹۲). بررسی اثر معنادارمانی بر نگرش به ازدواج دانشجویان و امید به زندگی. *آموزش و ارزشیابی*، ۶(۲۴)، ۳۷-۳۵.
- گل محمدیان، محسن (۱۳۹۳). مقایسه مؤلفه‌های هوش اخلاقی در زنان سازگار و ناسازگار. *اولین همایش روان‌شناسی خانواده، انجمن روان‌شناسی خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز*.
- لینک، داگ، و کی پل فرد (۱۳۸۸). *هوش اخلاقی*. ترجمه علی محمد گودرزی، تهران: رسا.
- محبی نورالدین، محمدحسین، شهنی بیلاق، منیجه، و شریفی، حسن‌پاشا (۱۳۹۳). رابطه سرمایه روان‌شناختی (امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی) با هدف‌های پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان سال اول. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۱(۱۳)، ۷۹-۶۱.
- محمدی، سمیه، نخعی، نوذر، برهانی، فریبا، و روشن‌زاده، مصطفی (۱۳۹۲). ابعاد هوش در حرفه پرستاری یک مطالعه توصیفی - مقطعی در شرق ایران. *مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی*، ۶(۵)، ۵۷-۶۶.
- محمودی، اعظم، خانی، لطفعلی، و غفاری، مظفر (۱۳۹۶). بررسی همبستگی هوش اخلاقی و نوع‌دوستی با نگرش پرستاران نسبت به رعایت حقوق بیماران. *مجله آموزش پرستاری*، ۵(۲)، ۵۶-۴۹.
- مظاهری‌راد، حسن (۱۳۹۰). مروری بر مفهوم رفتار اخلاقی در سازمان‌ها. *مهندس مشاور*، ۶۴.
- نریمانی، محمد و غفاری، مظفر (۱۳۹۲). نقش هوش اخلاقی و اجتماعی در پیش‌بینی تاب‌آوری و کیفیت زندگی والدین کودکان دارای ناتوانی یادگیری. *ناتوانی یادگیری*، ۵(۲)، ۱۲۸-۱۰۶.
- هادی‌تبار، حمیده، نوابی‌نژاد، شکوه، و احقر، قدسی (۱۳۹۰). تأثیر آموزش هوش معنوی روی کیفیت زندگی همسران جانباز. *طب جانباز*، ۴(۲)، ۱۱-۱.

یاسمی نژاد، پریسا (۱۳۹۳). تأثیر آموزش هوش اخلاقی بر مسئولیت پذیری، همدلی هیجانی، اخلاق تحصیلی و بخشودگی بین فردی دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه. پایان نامه دکتری، روان شناسی تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.

یاعلی، فاطمه، و گرجی، یوسف (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی آموزش هوش اخلاقی به روش قصه گویی بر افزایش رفتارهای نوع دوستی پسران پیش دبستانی شهرستان نجف آباد. پنجمین کنفرانس بین المللی روان شناسی، مشاوره و مددکاری اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر.

یعقوبی، ابوالقاسم، و نسائی مقدم، بیان (۱۳۹۸). اثربخشی روش مداخله ای روان شناسی مثبت گرا بر بهزیستی روان شناختی نوجوانان. *روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، ۲۵(۱)، ۲۵-۱۴.

- Arnold, L. (2002). Assessing professional behavior: yesterday, today, and tomorrow. *Academic Medical*, 77(6), 502-15.
- Avey, J. B., Luthans, F., & Jensen, S. (2009). Psychological capital: A positive resource for combating employee stress and turnover. *Human Resource Management*, 485, 677-693.
- Avolio, B. J. (2006). *The high impact leader*. New York: Mc Grow Hill.
- Brown, R. C. H. (2013). Moral responsibility for (un)healthy behavior. *Journal of Medical Ethics*, 39(11), 695-698.
- Buchanan, G. M., Gardenswartz, C. A., & Seligman, M. E. P. (1999). Physical health following a cognitive-behavioral intervention. *Prevention and Treatment*, 2(10), 159-171.
- Bullen, P., & Onyx, J. (2005). *Measuring social capital in five communities in NSW, a practitioner's guide*. Australia: Management Alternatives Pty Ltd. 2034.
- Carlo, G., Hausmann, A., Christiansen, S., & Randell, B. A. (2003). *Socio cognitive and behavioral correlates of a measure of prosocial tendencies for adolescents' psychology*. Department of Faculty Publications, Department of psychology.
- Clarcken, H. (2009). *Moral intelligence in the schools*. Online submission, Paper Presented at the Annual Meeting of the Michigan Academy of Sciences.
- Coleman, J. (1988). Social capital in the creation of human capital, *American Journal of Sociolog*, 94, 95-120.
- Cooper, C. D. (2005). Just joking around? Employee humor expression as an ingratiation behavior. *Academic Manage Rev*, 30(4), 765-776.
- Damon, W., Lerner, R. M., & Eisenberg, N. (2006). *Handbook of child psychology, social, emotional, and personality development*. John Wiley & Sons
- Eisenberg, N., Guthrie, I. K., Murphy, B. C., Shepard, S. A., Cumberland, A., & Carlo, G. (1999). Consistency and development of prosocial dispositions: a longitudinal study. *Child Dev*. 70(6), 1360-72.
- Feldman, T. R., & Assaf, S. (1999). Social capital: Conceptual frameworks and empirical evidence, the world bank, social capital initiative, working paper, 5.

- Fry, P. (1995). Perfectionism, humor, and optimism as moderators of health outcomes and determinants of coping styles of women. *Genet Soc Gen Psychol Monogr*; 12(1), 211-245.
- Fucuyama, F. (1999). Social capital and civil society. *Conference on Second Generation Reforme*.
- Golman, D. (2007). *Primal leadership: Realizing the power of emotional intelligence*. Boston: Harvard Business School Press.
- Hejka-Ekins, A. (2011). Ethics in in-service training. In *Cooper TL (ed). Handbook of Administrative Ethics*. New York: Mercel Dekker Inc.
- Lennick, D., & Kiel, F. (2011). *Moral intelligence 2.0. enhancing business performance and leadership success in turbulent times*. Pearson Education, Inc
- Luthans, F. (2002). The need for and meaning of positive organizational behavior, *Organizational Behavior*, 23, 695–706.
- Luthans, F., & Avolio, B. J. (2007). Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction. *Presidia Psychology*, 6, 168-146.
- Mayer, P. P. (2013). *Dose enhances attitude to the rights of patients in nurse with moral intelligence*. P.U. Chamdigerth university.
- Moss, E. L., & Dobson, K. (2006). *The place of spirituality in psychological end of life care*. www.epsychologist.org.
- Normans, M., Avey, J. L., & Pigeon, N. G. (2010). The interactive effects of psychological capital and organizational identity on employee organizational citizenship and deviance behavior. *Leadership and Organizational Studies* 17(4), 380-391.
- Pellegrino ED. (1988). Altruism vs. self-interest: Ethical models for the medical profession. *NYU Physic*, 45(1), 40-43.
- Petti, J., & Charles, B. (2008). Salesperson perceptions of ethical behaviors their influence of job satisfaction and turnover intention. *Business Ethics*, 4(78), 547-557.
- Piliavi, J. A., & Piliavin, I. M. (1972). Effect of Blood on Reactions to a Victim. *Personality and Social Psychology*, 23(3), 353-361.
- Rana, J. S. (2013). *A study of mental health of adolescents in relation to moral judgment*.
- Robbins, S., Millet, B., Caccioppe, R., & Waters-Marsh, T. (1998). *Organizational behavior*. 2nd Edn. Australia: Prentice Hall.
- Seligman M. E., Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology: An introduction. *Am Psychol*, 55, 5–14.
- Seligman, M. E. P. (1998). *Learned optimism: How to change your mind and your life*. New York: Pocket Books.
- Terner, A., & Estansfield, J. (2010). The dynamics of business ethics: a function of time and culture cases and models. *Management Decision*, 4, 110-131.